

## The Effect of the Sindh's Conquest On the Profitability of Makran Province in the Abbasid era

Abdolrasol Kheirandish\*

Sina Mirshahi\*\*

### Abstract

Makran did not consider as a significant province in the early Islamic period in comparison with Fars and Khorasan province. But, its importance is interesting not only in the sense of a local history but also in the study of world trade history. At the beginning of the conquest, the Muslims considered it insignificant and the reports of the first Islamic centuries suggested it as a low-yielding land state, so the conquest of Makran and its surrounding areas was not pursued with interest and seriousness. However, conquest of Sindh in first Century A.H increased the tax revenue of Abassid Caliphate from Makran. As in 168 AH, Jahshiari reported Makran tribute as four hundred thousand dirhams and Qadameh Ibn Ja'far and Muqaddasi reported this revenue one million dirhams afterward. The present research is descriptive- analytic and is based on library studies and seeks to answer this question: Why Makran province changed from a low-yield land in the era of conquests to a relatively rich land in the Abbasid era? According to the research findings, the growth of trade through Sindh made Makran a profitable state for the Abbasid caliphate which had no economic value at the beginning of the conquest of Islam as the bureaucrats of that time referred to the collected tax from Makran. This development has relied more on trade relations between Sindh and Makran.

**Keywords:** Abbasid era, Makran province, Sindh, Maritime Trade, Tribute.

---

\* Professor of history, Shiraz university, Shiraz, Iran, kheirandish.ar@gmail.com

\*\* PhD student of history, Shiraz university, Shiraz, Iran (Corresponding Author), sinamirshahi@gmail

Date received: 24/10/2020, Date of acceptance: 14/03/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تأثیر فتح سند بر سودآوری ایالت مکران در عصر عباسی

عبدالرسول خیراندیش\*

سینا میرشاهی\*\*

### چکیده

مکران در قرون نخستین اسلامی هیچ‌گاه ایالتی مهم همانند خراسان و فارس نبوده است اما سیر اهمیت یافتن آن نه تنها در معنای یک تاریخ محلی بلکه در مطالعات تاریخ تجارت جهان نیز جالب توجه است. فاتحان مسلمان در ابتدای فتوح وضع اقتصادی آن‌را نامناسب گزارش کردند، چنانکه منابع قرون نخستین اسلامی این ایالت را سرزمینی کم بازده گزارش کردند. در چنین شرایطی فتح مکران و نواحی پیرامون آن با علاقه مندی و جدیت دنبال نشد اما فتح سند در پایان قرن اول هجری، درآمدهای مالیاتی دستگاہ خلافت از مکران را افزایش داد. چنانکه در سال ۱۶۸ هجری، جهشیاری خراج مکران را چهارصد هزار درهم و پس از آن قدامه بن جعفر و مقدسی خراج آن را یک میلیون درهم گزارش کردند. پژوهش پیش رو به شیوه توصیفی و تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است و در صدد است به این سوال پاسخ دهد که چرا ایالت مکران از سرزمینی کم بازده در عصر فتوحات به سرزمینی نسبتاً ثروتمند در عصر عباسی تبدیل شد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مکران که در ابتدای فتوح اسلام فاقد ارزش اقتصادی بود. رشد تجارت از طریق سند موجب شد به تدریج به ایالتی سود رسان برای خلافت عباسی تبدیل شود، چنانکه دیوانسالاران آن عصر در آثار خود به افزایش آمار مالیات‌های دریافت شده از مکران پرداخته‌اند. این تحول متکی بر ارتباط‌های تجاری بین سند و مکران بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** عصر عباسی، ایالت مکران، سند، تجارت دریایی، خراج.

\* استاد گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، kheirandish.ar@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)، sinamirshahii@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴



## ۱. مقدمه

پیگیری توالی رویدادها درباره مکران در قرون نخستین اسلامی براساس گزارش‌های مورخان مسلمان، بسیار مشکل است. به‌عنوان نمونه تاریخ یعقوبی نوشته شده در قرن سوم هجری که از نمونه‌های متقدم تاریخ‌نگاری عمومی مسلمانان به شمار می‌آید، فتح مکران را در فاصله خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ ه.ق)<sup>۱</sup> می‌داند اما از زمان اولین خلیفه تا خلافت ولیدبن عبدالملک (۸۶-۹۶ ه.ق)، هیچ خبری از مکران به دست نمی‌دهد. این نخستین خبری در این باره نیز با کلیه منابعی که به‌طور خاص اخبار فتوح را منعکس کرده‌اند، متفاوت است. یعقوبی فتح مکران را مربوط به زمان ابوبکر می‌داند. (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۴/۲) آن هنگام مسلمانان هنوز به داخل عراق که قلمروی ساسانیان بود، هم وارد نشده بودند.

یعقوبی از فتح مکران به روزگار عمر هم گزارش نمی‌کند. اهمیت این نکته در آن است که منابع فتوح مانند بلاذری سعی وافر در نشان دادن فتح همه سرزمین‌ها بیشتر براساس منافع فاتحان تا منابع راویان داشته‌اند اما اثری چون تاریخ یعقوبی، از آنجا که طراحی عمومی از تاریخ مسلمانان را دنبال می‌کند، یک رویداد را در کلیتی دیده است که ارائه تصویری جامع از جامعه مسلمانان قرون نخستین را پیگیری می‌کرده است. ازاین‌رو، در مورد مکران یا خبری را سراغ نداشته که با کلیت دیگر اخبار، همخوانی داشته باشد و یا آن را واجد اهمیتی به مانند دیگر اخبار ندیده است. ازاین‌رو، اخبار فتح مکران را چنانکه در منابع دیگر به روزگار عمر خلیفه دوم نگاشته شده در اثر خود ندارد؛ تا آنکه به روزگار ولیدبن عبدالملک بار دیگر درباره مکران گزارش می‌کند. (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۴۴/۲)

از آنجایی که مکران سرزمینی بیابانی میان کویر لوت و ساحل دریای عمان است، به‌مانند دیگر ممالک مفتوحه مسلمانان در مسیرهای ارتباطی مهم نبوده است و گویا چندان انتفاعی از نظر مالی برای آن تصور نمی‌کرده‌اند. این نکته در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت اما به روزگار فرمانروایی حجاج بن یوسف بر عراق و به‌طور کلی ایران، محمد بن قاسم ثقفی مأمور فتح سند شد.

محمد بن قاسم به فارس آمد و سپس به مکران رفت. (کوفی، ۱۳۸۴: ۹۹) به گزارش یعقوبی، یک ماه در آنجا اقامت کرد. باین‌وجود در منابع تاریخی و جغرافیایی مسلمانان، از اوضاع داخلی مکران اطلاع چندانی در دست نیست. گزارش‌ها کلی و از نگاهی بیرونی به آنجا است. نیرویی که محمد بن قاسم را همراهی می‌کرد، شش هزار نفر بوده است ولی در ادامه فتح سند، یعقوبی از افزایش نیروی او در نبردهای پی‌درپی و رو به گسترش خبر

می‌دهد. البته چگونگی فتح سند، موضوع این پژوهش نیست بلکه تأثیر آن بر مکران مدنظر است. یعقوبی اگرچه از اعزام نیروهای جدید برای او خبری به دست نمی‌دهد اما از آنچه برای دوره‌های بعد سخن گفته است برمی‌آید که عرب‌ها با همان عنوان‌های نزاری و یمنی و امثال آن، در آنجا نیز حضور یافته‌اند. اما در گزارش یعقوبی، فتح سند با وجود غنایم بسیار، گویا هدف اصلی نبوده است، زیرا حجاج با فرمانی از او خواسته است با قتیبه بن المسلم باهلی که در مرزهای ماوراءالنهر با چینی‌ها درگیر بود همکاری کند. محمد بن قاسم نیز قرار بود از سمت هند، خود را به مرزهای چین برساند. (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲/۲۴۴)

بدون شک این هدف بلند پروازانه بود و هرچند هرگز ممکن نشد، اما به تثبیت متصرفات سند کمک کرد. امری که به‌جای مکران، سند را مرز مسلمانان قرار داد و این اولین نکته‌ای است که در مورد تحول موقعیت مکران، باید بدان توجه داشت. از آنجایی که خیلی زود تجارت جای جنگ و خونریزی در سند گردید، مکران به سرزمینی میان‌راهی برای عبور کاروان‌های زمینی و دریایی میان سند و داخله جهان اسلام تبدیل شد اما براساس گزارش یعقوبی گویا در اینجا تحولی دیگر هم رخ داده است و آن اثبات سودمندی لشکرکشی در این سمت از جهان اسلام بوده است، زیرا یعقوبی می‌نویسد حجاج بن یوسف نزد ولید بن عبدالملک برای محمد بن قاسم در لشکرکشی‌اش به سند ضامن شده است. سرانجام هم با غنایم بسیار، این ضمانت را ادا کرد (همان: ۲/۲۴۵). چون این خبر با اخبار دوره عمر خلیفه دوم که حتی به انگیزه سودآوری فتح مکران، با لشکرکشی به آنجا مخالفت کرده بود، جمع شود زمینه‌ی تغییر نگرش در مورد مکران را می‌توان دید. این وقایع مربوط به سال ۹۰ هجری بوده است.

تمام گزارش بعدی یعقوبی برای انعکاس اخبار مکران، مربوط به زمان هارون الرشید است. به گزارش یعقوبی، این زمان قبایل عرب در سند مستقر بودند (همان، ۲/۴۱۳) و در این هنگام، هارون الرشید حکومت سند و مکران را یکی کرد (همانجا). این امر خود می‌تواند به یک تحول اقتصادی مهم منجر شده باشد و شاید بر همین اساس بوده است که برخی از منابع مکران را ادامه سند و پیوسته بدان گزارش کرده‌اند (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۲۸۱/ بیرونی، ۱۴۰۳: ۱۴۷). در همین زمان است که جهشیاری گزارش می‌کند ارزش اقتصادی درآمد دستگاه خلافت از مکران مبلغ چهارصد هزار درهم است. تا اینجا بدون شک فتح سند در رونق تجاری مکران و سوددهی آن به نسبت روزگار خلافت خلیفه دوم و در واقع آخر ساسانیان مؤثر بوده است. اما در دوره عباسیان، چه تحول دیگری ممکن است رخ داده

باشد؟ شاید بتوان با توجه به تحول جدیدی که در عراق روزگار عباسیان صورت گرفته است، اشاره کرد و آن رونق تجارت دریایی بصره از قرن دوم هجری است که با فتح سند، هم‌زمان شد. این خود امکان داد که مکران به‌جز راه ارتباطی زمینی، با عمان و سند نیز از طریق دریا در ارتباط قرار گیرد.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کتابخانه‌ای می‌باشد که با روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است و از این حیث که به یکی از سرزمین‌های مهم در جنوب شرقی ایران می‌پردازد دارای اهمیت است. این اهمیت موجب شده است که داده‌های پژوهش بر اساس منابع دست اول تاریخی بر مبنای سوالات پژوهش تحلیل و ساماندهی شود.

تاکنون پژوهشی مستقل در مورد ایالت مکران از عصر فتوح به عصر عباسیان و نشان دادن سیر صعودی خراج این ایالت، صورت نگرفته است و از این حیث، این پژوهش برای اولین بار به صورت مستقل، به سودآوری ایالت مکران و تأثیر فتح سند بر این سودآوری می‌پردازد. با این حال پژوهش‌هایی چند به برخی از جنبه‌های جغرافیای، تاریخی و اقتصادی این ایالت پرداخته‌اند. در برخی از این مقالات همانند «روابط بازرگانی هند و عرب» نوشته سلیمان ندوی به رونق بنادر سند به خصوص بندر مشهور دیبل اشاره شده است. «جغرافیای تاریخی سرزمین مکران» که نوشته علی غفرانی و راضیه شجاع قلعه دختر نگارش یافته به توصیف جغرافیای مکران پرداخته‌اند. همچنین مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «جایگاه بندر تیس در تجارت ادویه و پانیز» توسط تکتم محبوب و حسین الهی نیز به صورت یک بررسی عمومی تألیف شده است که به جایگاه این بندر مهم تا دوره صفویه اشاره می‌کند. «بررسی تغییرات ماهوی اولیه هند و فاتحان مسلمان» توسط کورش صالحی یک فضای تاریخی از چگونگی استقرار مسلمین با دیدی تحلیل ارائه می‌دهد. همچنین مقاله «نقش بازرگانان مسلمان در گسترش اسلام به شبه‌قاره هند (در نخستین سال‌های هجری)» صالح پردگاری و حسن جوادی‌نیا به نقش بازرگانان و زمینه‌های اقتصادی و تاریخی فتح سند می‌پردازد. در زمینه پایان‌نامه نیز می‌توان به «جغرافیای تاریخی و تاریخ اجتماعی مکران از صدر اسلام تا حمله مغول» که توسط راضیه شجاع قلعه دختر تألیف شده است، اشاره نمود.

## ۲. نگاهی به جغرافیای طبیعی مکران و سند

### ۱.۲ جغرافیای طبیعی مکران

سرزمین ساحلی مکران در محدوده دشت لوت قرار می‌گیرد و قسمت اعظم نواحی آن، در کویر واقع شده است (لسترنج، ۱۳۸۶: ۳۲۱). این ایالت از نظر جغرافیایی، از دماغه «سومنیانی» در شمال غربی و بندر کراچی در شرق تا ناحیه بشاگرد در هرمزگان و سیستان و بلوچستان را شامل می‌شود (وثوقی، صفت‌گل، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

ابوعلی بلعمی از مورخان قرن چهارم هجری، مکران را از شهرهایی می‌داند که نزدیک دریا و سرزمین عمان قرار دارد (بلعمی، ۳/۵۴۸). مقدسی نیز قصبه آن را «بنجپور» و از شهرهای آن «کیج»، «سرای»، «شهر»، «بربور»، «خواش»، «دمندان»، «جالک»، «دشت علی»، «حیز»، «کبرتون»، «راسک»، «خروج»، «بند قصر قند»، «اصفقه»، «فهل فهر»، «قنبلی»، «ارمابیل»، «تیز»، «مشکه» و «دزک» را نام می‌برد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۰۰-۷۰۱). ابن رسته نیز همانند برخی دیگر از مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان، مکران را جزو ایالت سند می‌داند (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۲۸۱).

اینکه بعضی از جغرافی‌نویسان مسلمان، مکران را جزئی از نواحی سند دانسته‌اند (کوفی، ۱۳۸۴: ۱۵). بدون شک چنین نگرش‌هایی با ملاحظه پیوندهای دریایی و آب هوایی، همراه بوده است. تجارت با سند برای مکران به اندازه‌ای اهمیت داشته که در پیوند با آن دیده شده است.

### ۲.۲ جغرافیای طبیعی سند

در مورد حدود سند، جغرافی‌نگاران نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند. مقدسی سند را شامل پنج خوره می‌داند و محدوده این ایالت را تا مکران و حدود کرمان معرفی می‌کند و آن را سرزمین زر و بازرگانی معرفی می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۰۰).

اصطخری منصوره، دیبل، بیرون، قالری، آنری، بلری، مسواهی، بهرج، بانیه، مناحتری، سدوسان و رور را جزو شهرهای سند می‌داند. اصطخری همچنین از ثروت‌های شهر ملتان می‌گوید که هر ساله و در زمان خاصی، گردآوری می‌شده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۴۸).

یکی از معروفترین شهرهای سند، بندر دیبل (کراچی کنونی) بوده است که نقش برجسته‌ای در تجارت دوره اموی و عباسی داشته است که ساکنان آن بازرگانان و صنعتگران بودند.

### ۳. فتح مکران توسط مسلمانان

در زمان خلیفه دوم، حکم بن عمر تغلبی با همراهی سهیل بن عدی و عبدالله بن عتبان، به مکران رسیدند، فرمانروای سند به کمک مردم مکران آمد اما مسلمانان در این نبرد، به پیروزی رسیدند و این شهر را تصرف نمودند (بلعمی، ۱۳۷۸: ۳/۵۴۹)؛ چون صحار عبدی خبر فتح مکران را برای عمر برد، از وی در مورد وضعیت اقتصادی مکران پرسید که در جواب وی مکران را سرزمینی نامساعد معرفی نمود که همین امر، موجب توقف فتوحات در مکران شد طبری در اینباره چنین گزارش کرده‌است:

گفت: ای امیر مؤمنان سرزمینی است که دشت آن جبل است و آب آن و شل (اندک) و میوه آن دقل (خرمای بد) است و دشمن آنجا بطل (دلیر) است، خیرش قلیل است و شرش طویل و بسیار، آنجا قلیل است و قلیل در خطر تباهی و ماورای آن از این هم بدتر است. عمر گفت: «سجع گویی یا خبرگزار؟» گفت: «خبرگزارم» گفت: «به خدا مادام که اطاعت من کنند سپاه من غزای آنجا نکند». آنگاه به حکم بن عمرو و سهیل نوشت که هیچ‌کس از سپاه شما از مکران نگذرد به این سوی نهر بس کنید. بگفت تا فیلان را در سرزمین اسلام بفروشد و بهای آن را میان غنیمت گیران تقسیم کند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

بلاذری در کتاب فتوح البلدان در مورد فتح مکران، از زبان اعشی همدانی گزارشی دقیق می‌آورد که بی‌علاقگی مسلمانان به ادامه فتوحات در جنوب شرقی ایران را تأیید می‌کند. این گزارش از زبان اعشی همدانی است و مترجم فارسی چه زیبا آن را برگردانده است:

تو سوی دیار مکران ره می‌سپری چه دور است راه رسیدن و بازگشت آن مرا به مکران نیازی نیست و نه به غزای در آن و نه به تجارتش، به مکران نرفته‌ام، لیک درباره‌اش شنیده‌ام حدیثی که از یاد آن هماره مکدرم و آن چنین بود که انبوه در آن گرسنه ماند و اندک دستخوش تباهی گردد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۰۵).



این در حالی است که ابن اثیر به‌غیراز دلایل فوق، صعب‌العبور بودن راه‌ها و وسعت زیاد مکران را نیز در توقف فتوحات مؤثر می‌داند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۷۵/۹). همچنین سال‌ها پس‌ازآن، ایوب بن قریه از نزدیکان و مشاوران عبدالرحمن اشعث نیز در مورد مکران به حجاج بن یوسف اوضاع بحرانی آن را بیان می‌کند اما حجاج که قصد تصرف سند را داشت به مکران به تحول دیگری می‌نگریست. دینوری وصف ایوب بن قریه از مکران در حضور حجاج بن یوسف اینگونه گزارش می‌کند:

«گفت آب آن اندک و خرماي آن بد و دشت آن کوهستان و دزدش قهرمان است؛ اگر لشکر در آن سرزمین زیاد باشد، گرسنه می‌مانند و اگر کم و اندک باشند، تباه می‌شوند» (دینوری، ۱۳۷۱: ۳۶۴).

#### ۴. فتح سند در دوره بنی‌امیه

هرچند در دوره خلفای راشدین فتوحات آغاز شد اما در پایان همان دوره ادامه نیافت زیرا این دوره همراه با جنگ‌های داخلی و نیز وقایع مربوط به استقرار خلافت امویان همراه شد اما پس‌ازآن، بار دیگر اندیشه ادامه فتوحات قوت گرفت. بدین‌جهت سرداران عرب در مرزهای مختلف، لشکرها را به‌پیش بردند؛ چنانکه شمال آفریقا فتح شد و مسلمانان تا حدود سال ۹۰ هجری به مغرب و سپس اندلس رسیدند. در ماوراءالنهر و به سمت چین نیز پیشروی‌هایی صورت گرفت. اکنون هرچند مسلمانان به داخل مکران مستقر نشده بودند اما مرزهای آن را در اختیار داشتند و در این هنگام فتح مجدد مکران و بحث سودمندی آن مطرح نبود بلکه هدف منطقه ثروتمند سند و بهره‌مندی از آن بود.

در زمان خلافت معاویه، مسلمانان هم از راه مکران و هم از سمت کابل، به سند حمله کردند و به موفقیت‌هایی نیز دست یافتند.

محمد معصوم بکری در کتاب تاریخ سند، گزارش می‌کند که عبدالملک خلیفه اموی در جهت توسعه تجارت، روابط تجاری را با سند آغاز نمود که به علت ناامنی، نتیجه‌ای در پی نداشت<sup>۲</sup> (بکری، ۱۳۸۲: ۶). پس‌ازآن محمد بن قاسم در زمان خلافت ولید بن عبدالملک (حکومت ۸۶-۹۶ ه.ق) از طرف حجاج بن یوسف، برای فتح سند (۸۹ ه.ق) از مکران گذشت. در این دوره محمد بن هارون، امیر مکران بوده است (کوفی، ۱۳۸۴: ۹۹). بکری در تاریخ سند، هزینه فتح سند را سی هزار درهم ذکر می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت فتح این نواحی برای خلافت اموی بوده است (بکری، ۱۳۸۲: ۸).

بنا بر گفته علی بن حامد کوفی در کتاب چچ نامه، فتح دیبل از شهرهای ثروتمند سند توسط محمد بن قاسم صورت گرفت و غنایم بسیاری نصیب خلافت امویان شد. (کوفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

چون فتح دیبل برآمد و بندیان مسلمانان مخلص شدند و برده بیرون آوردند، محمد قاسم فرمود تا خمس غنائم جدا کنند و بخزانه تسلیم نمایند. پس خمس دیبل بکلی در خزانه حجاج تحویل شد، و غنائم فتح ارمایل در وجه حشم بر طریق استحقاق - سوار را دو سهم، و اشتر و پیاده را یک سهم - باقی از نقود و غنائم و برده فراهم آوردند، و دو دختر رای دیبل بود بخدمت حجاج فرستاد. (همانجا)

محمد بن قاسم پس از دیبل همه نواحی سند را فتح کرد و داهر بن چچ فرماروای سند را شکست داد. (همان: ۱۸۱-۱۸۲) با فتح سند برای اولین بار، مکران و توابع داخلی آن تا سند (شهرهایی چون فنزبور و...) به صورت جدی، مورد حمله مسلمانان قرار گرفت (خیاط، ۱۴۱۵: ۱۹۳). پیروزی محمد بن قاسم، برای امویان یک پیروزی قاطع به شمار می‌رفت که سودآوری بی‌شماری برای خلافت اسلامی در پی داشت. (کوفی، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

باتوجه به نامه‌های ردوبدل شده بین حجاج بن یوسف ثقفی و محمد بن قاسم ثقفی، انگیزه‌های مادی فتح سند مشهود می‌شود. در مجموع همه منابع تاریخی تا قبل از ولید بن عبدالملک، از بی‌علاقگی و عدم رضایت در مورد فتح نواحی داخلی مکران گزارش‌هایی ارائه می‌دهند که نشان از اوضاع نامساعد اقتصادی و تجاری آنجا هم‌زمان با ورود اسلام به آن دارد اما از اواسط عصر امویان، ثروت هند و سند کم‌کم باعث جذابیت و تکمیل فتوحات از نواحی داخلی مکران هم شد. در این مورد بلاذری نام‌آورترین مورخ فتوح، چنین می‌نویسد:

مسلمانان را طلای بسیار نصیب شد. این اموال در اتاقی که ده ذراع در هشتاد ذراع بود، گرد آمد و همه آن را از شکافی که بالای بام اتاق بود، به درون می‌افکندند. از این روی ملتان را فرج طلا خانه می‌نامیدند و فرج ثغر را گویند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۱۳-۶۱۴).

موفقیت‌های امویان در سند با برکناری محمد بن قاسم در زمان سلیمان بن عبدالملک، پایان گرفت و این وضع تا پایان خلافت اموی در سال ۱۳۲ هجری ادامه یافت. یعقوبی در اینباره چنین گزارش می‌کند:

سند به هم خورد و سپاهبانی که با محمد بن قاسم ثقفی بودند، مرکزهای خود را رها کردند و اهل هرشهری به شهر خود بازگشتند؛ پس سلیمان حبیب بن مهلب را به آنجا گسیل داشت و در بلاد سند پیش رفت و با مردمی که در ناحیه مهران بودند، نبرد کرد و محمد بن قاسم را گرفت و پلاس بر بدنش پوشانید و او را دربند کرده به زندان فرستاد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲/۲۵۵).

## ۵. تجارت مکران و سند در عصر عباسی

فتوحاتی که در نیمه اول خلافت امویان صورت گرفت، بار دیگر مسلمانان را صاحب ثروت‌های بسیار کرد اما خیلی زود با ایستادگی هندی‌ها، چینی‌ها، رومی‌ها و اروپایی‌ها در مرزهایشان، فتوحات دیگر مانند قبل ادامه نیافت. به همین جهت در بعضی از مرزها مانند اندلس و ماوراءالنهر، شرایط جنگی تا مدت‌ها همچنان برقرار بود؛ درحالی‌که در مرز سند تحولی خاص شکل می‌گرفت و آن آغاز تجارت با مردم سند بود. در اینجا هر دو طرف دو سوی مرز، مایل بودند به‌جای جنگ، به تجارت بپردازند. اعراب نخستین بندر هند را بندر تیز می‌دانستند که این به علت پیوستگی مکران و سند بوده است. همچنین اعراب پس از تیز به بندر دیبل (کراچی) نیز رفت و آمد داشتند بندر دیبل بازار بزرگ و یکی از مراکز مهم تجاری هند بوده است. (ندوی، ۱۳۳۶: ۴۸) ازاین‌رو تجار مسلمان، سودآوری را در ارتباط با هند در نظر گرفتند و در آن‌سوی مرز سند، راجپوت‌ها که شاهزادگان هندی بودند، تمایل بسیاری به کسب درآمد از طریق تجارت نشان دادند زیرا دولت‌های ریز و درشت راجپوت مدام در حال جنگ با یکدیگر بودند و درآمد حاصل از تجارت با مسلمانان و ایران را برای تقویت خود لازم داشتند؛ ازاین‌رو زمینه‌های لازم ازجمله برقراری امنیت و هم‌زیستی مسلمانان با هندوها در منطقه سند، فراهم آمد. (دولافوز، ۱۳۱۶: ۸۳)

درحالی‌که چنین تحولی در اواخر دولت بنی‌امیه صورت می‌گرفت، خلافت به بنی‌عباس رسید و به‌واقع این عباسیان بودند که از رونق تجاری مکران که واسطه تجارت سند با جهان اسلام شده بود، بهره بردند. در این زمان دیگر مرزهای هند با جهان اسلام که بیشتر شامل منطقه کوهستانی کابل بود، در شرایط جنگی به سر می‌برد. چنانکه سلسله‌های طاهری، صفاری، سامانی و غزنوی طی قرن سوم تا پنجم هجری، شرایط جنگی را در مرزهای خود با هند حفظ کردند؛ چنین شرایطی زمینه بسیار مساعدی برای فعالیت تجار در

مرز سند فراهم آورد که نتیجه آن رونق اقتصاد تجاری در مکران و سپس سودآوری آن برای خلافت عباسی بود.

عباسیان پس از پیروزی بر امویان (۱۳۲ هجری)، در سال ۱۳۴ هجری متوجه اهمیت تجاری سند شدند. آنان تا سال ۲۵۷ هجری بر سند و نواحی پیرامون آن مسلط شدند و تا این مدت مجموعاً شانزده نفر، بر سند حکومت کردند و در این مدت ۱۲۳ ساله، اوضاع اقتصادی سند به پیشرفت‌های مهمی نائل آمد و تجارت دریایی و زمینی، افزایش چشمگیری یافت و به همین نسبت، بارونق تجارت سند نواحی پیرامون آن چون مکران هم زمینه را برای رونق تجارت فراهم کردند. از این زمان سند، توسط حکومت‌های محلی مستقل و نیمه‌مستقل مسلمان اداره شد تا آنکه تسلط و نفوذ عباسیان پس از ۱۲۶ سال پایان پذیرفت اما رونق اقتصادی آن تداوم یافت. در سال ۲۵۷ هجری یعقوب لیث صفاری سند را تحت حکومت خود قرارداد (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۱۶ / ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸/۱۰۷).

تحولات درونی سند از دوره طاهریان به بعد، نشان دهنده رونق تجارت و بازرگانی سند و نواحی پیرامون آن از جمله مکران است. بیهقی که در قرن پنجم هجری می‌زیست، وضعیت اقتصادی مکران را پرونق نشان می‌دهد (بیهقی، ۱۳۷۴: ۱/۲۸۹) که مهم‌ترین عامل آن، تحولات تجاری و اقتصادی نواحی سند و دریای عمان به شمار می‌آید.

## ۶. عوامل افزایش درآمد مالیاتی مکران در عصر عباسی

چنانکه گفته شد، ایالت مکران که در زمان فتوحات در نامه‌های فاتحان مسلمان، به‌عنوان سرزمینی کم‌بازده از آن نام‌برده شده است، به علت برخی عوامل که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود، به تدریج به سرزمینی سودآور تبدیل شد:

### ۱.۶ مسیرهای تجاری مکران و سند

از دید محققان معاصر مسیر تجاری مهمی که از مکران می‌گذشت، جاده ادویه بود. جاده ادویه که از سند آغاز می‌شد، از مکران عبور می‌کرد، در نهایت این مسیر، به دریای مدیترانه خاتمه می‌یافت (دلبری، ۱۳۹۶: ۲۷). مرحوم باستانی پاریزی از راه ادویه به‌عنوان راه فلفل نیز نام برده و آن را یک اصطلاح تاریخی دانسته است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۲: ۱۹۷). رونق و امنیت جاده ادویه، یکی از عوامل ثروتمندی ایالت مکران در قرون نخستین اسلامی بوده

است و این مسیر تجاری نقش زیادی در سودآوری این ناحیه داشت. مسیرهای تجاری مکران در عصر عباسی چنین بوده است:

#### ۱.۱.۶ مسیر تجاری زرنج - مکران و سند

اصطخری زرنج را از بزرگ‌ترین شهرهای سیستان معرفی کرده است (اصطخری، ۱۳۳۸:۱۹۲)<sup>۳</sup> یک مسیر تجاری از سند به مکران و از آنجا به زرنج ختم می‌شد (ابن رسته، ۱۸۹۲:۲۸۱). ابن فقیه مسیر سیستان به مکران - مولتان را از مسیرهای مشهور معرفی می‌کند (ابن فقیه، ۱۳۷۹:۴۱۶). این مسیر به علت اینکه به دریای عمان و سرزمین‌های آن متصل می‌شد، اهمیت فراوانی داشت. اصطخری مؤلف قرن چهارم هجری می‌نویسد که بازرگانان از مسیر مکران، با هندوستان به تجارت می‌پرداختند (اصطخری، ۱۳۳۸:۱۹۷). در همان زمان، قدامه ابن جعفر خراج زرنج را یک میلیون درهم برشمرده است (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰:۱۳۸).

مسلمانان به تدریج بر مسیر تجاری زرنج و کش نیز سیطره یافتند. پانیزد<sup>۴</sup> مهم‌ترین محصولی بود که در قرون نخستین اسلامی از مکران به زرنج و سیستان برده می‌شد. در مسیر تجاری زرنج به مکران، غلات بسیاری هم کشت می‌شد (اصطخری، ۱۳۳۸:۱۹۶). از این رو، این مسیر تجاری باتوجه به خراج قابل توجهی که برای آن تعیین شده است، نشان از وضعیت اقتصادی مساعد آن دارد؛ حتی حضور خوارج در مکران و کرمان که موجب ناامنی در راه‌های تجاری می‌شد، مانع از تجارت این مسیر به شمار نمی‌آید. چنانکه مسعودی در کتاب مروج الذهب، مکران را سرزمین خوارج شراه می‌داند (مسعودی، ۱۳۷۴:۱۰۷/۱)؛ از این رو قابل تصور است که خوارج در این نواحی به تجارت با نواحی دیگر از جمله عمان اشتغال داشته‌اند و هم در ناامن کردن این مسیر، نقش داشتند.

#### ۲.۱.۶ مسیر تجاری مکران - سند

در عصر عباسیان، مکران بارانداز هند و عمان به شمار می‌آمد و بازرگانان از راه زمینی، به هند و از راه دریایی (بندر تیس) به عمان می‌رفتند. همچنین مسعودی گزارش می‌کند که در مسیر مکران به سند نیز خوارج جهریه و صفریه ساکن بودند (مسعودی، ۱۳۷۴:۱۰۴/۲) و این نشان دهنده حضور خوارج در مسیر راه‌های مهم تجاری در قرون نخستین اسلامی است.

### ۳.۱.۶ مسیر تجاری کرمان - مکران و سند

مسیر تجاری کرمان - مکران از مسیرهای مهم تجاری در قرون نخستین اسلامی به‌شمار می‌رفت که از مکران به خواش (خاش) و از آنجا به جیرفت و هرمز و یا از خواش به سیرجان، از جمله مسیرهای مهم آن دوران بود؛ همچنین حضور قوم قفص در مسیر منتهی به دریای عمان و بحرین، هرمز و مکران باعث شد بتوانند در این مسیر تجاری، اعمال قدرت کنند و ناامنی را در راه‌های اصلی تجاری پیرامون دریای عمان به‌خصوص راه‌های منتهی به هرمز و تیس گسترش دهند (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۱). چنانکه عضدالدوله، به‌منظور برقراری امنیت در مسیرهای تجاری اطراف کرمان و مکران، اقدام به سرکوب قفص‌ها کرد (مسکویه، ۲۸۹/۲۹۰).

### ۴.۱.۶ مسیر تجاری مکران و سند - بصره و سیراف

بصره در دوره خلافت عمر به دستور سعد بن ابی‌وقاص و توسط عتبه بن غزوان، احداث شد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۲). طبری چنین گزارش می‌کند که اعراب مسلمان در سال چهاردهم هجری قمری، بصره را سرزمین هند نام می‌بردند و سنگ‌های سفید در آن بسیار موجود بوده است (طبری، ۱۳۸۷: ۳/۵۹۱). این مسیر به حدی اهمیت داشته است که عمر خلیفه دوم، به نیروهای خود دستور داده بود ارتباط پارسیان با بصره، مداین و سرزمین‌های پیرامون آن را قطع نماید (همان، ۳/۵۹۰).

در دوره امویان و عباسیان، بصره به باراندازی مهم و ایستگاهی تجاری به اقیانوس هند تبدیل شد (حورانی، ۱۳۸۴: ۱۴۲). یعقوبی در کتاب البلدان، بصره را از شهرهای ثروتمند و تجاری جهان اسلام معرفی کرده است (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۰۶/۲). در این دوره، از راه مصر تجارت زمینی به سواحل سوریه و دریای سرخ و از آنجا به اقیانوس هند و سواحل مکران نیز منشعب می‌شد. در دوران شکوفایی بصره، سیراف نیز شریک و رقیبی ثروتمند برای آن به‌شمار می‌رفت؛ چنانکه قدامه بن جعفر خراج فارس و بنادر آن چون سیراف را ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ میلیون درهم تخمین زده است که این امر نشان‌دهنده ثروت و درآمد بسیار زیاد سیراف در عصر عباسی است (قدامه ابن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

ناخدا شهریار بن رامهرمی در کتاب عجایب الهند، به مسیر تجاری بصره و سیراف، چین و هند و سواحل مکران اشاره کرده است (رامهرمی، ۱۳۴۸: ۱۲۶/۶۸؛ ۱۲۹). بنابراین در عصر عباسی به علت هم‌جواری سواحل مکران با سند، بندر تیز در ارتباط با بنادر سیراف و

تأثیر فتح سند بر سودآوری ایالت مکران در ... (عبدالرسول خیراندیش و سینا میرشاهی) ۴۱

بصره بوده است و رونق بنادر بصره و سیراف و تجارت با چین و اقیانوس هند، به سودآوری ایالت مکران و سواحل آن نیز کمک شایانی نموده است.

## ۷. کالاهای تجاری سند و مکران

در عصر عباسی کالاهایی چون عود، کافور، زنجبیل، آبنوس، قهوه، برنج، صندل، نارگیل، دارچین، قرفل، چوب ساج، خولنجان، پوست انار، سنگ‌های گران‌قیمت و اکالیپتوس در سرزمین‌های پیرامون دریای عمان، تجارت می‌شد (قمر، ۱۳۹۶: ۸۴)؛ همچنین کالاهایی چون مشک، عنبر، نیل، برده‌های هندی و زنگی، پارچه‌های حریر و منخلمی ادویه و عطریات وارد بندر تیس می‌شد (تکتیم، الهی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). استخراج و فروش سنگ‌آهن (در کوه‌های جبال بارز و مکران) (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۴۲)، معادن نقره در کوه‌های مکران (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۴) نیل، پانید و... از جمله کالاهای مهم تجاری بودند که در مکران و سرزمین‌های اطراف آن معامله می‌شدند (همان، ۷۸). به نوشته ابن حوقل:

«درخوش و نواحی آن زراعت نیشکر بسیار است و از این رو پانید (قند سفید) فراوان به دست می‌آید و به سیستان و خراسان حمل می‌شود» (همان‌جا).

همچنین اصطخری گزارش می‌کند بازرگانان مکرانی دراعه و دستار می‌پوشیدند و به زبان پارسی سخن می‌گفتند و بنا به گفته وی، تولید پانید بیشتر در روستای جدران (محدوده مکران) وجود داشت (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۵۲). بیهقی نیز در قرن پنجم هجری قمری مروارید، زر و عنبر را از کالاهای مکران می‌داند (بیهقی، ۱۳۷۴: ۱/۲۸۹).

## ۸. روابط دریایی مکران با بنادر دیگر

### الف. بندر تیز<sup>۵</sup>

مکران چون مستقیماً با دریای عمان (مکران)<sup>۶</sup> و اقیانوس هند ارتباط داشت<sup>۷</sup>، به‌عنوان کانون ارتباطی بین این نواحی عمل می‌کرد. بندر تیس (Tis) در قرون نخستین اسلامی، کانون تجاری دریای عمان با بندرهای هند چون منصوره و دیپل بود (دلبری، ۳۲). این بندر مهم‌ترین مرکز بازرگانی ناحیه مکران در قرون نخستین اسلامی به‌خصوص در عصر عباسی بود (اقتداری، ۶۰۳)؛ به طوری که در عصر عباسی بارکده مکران بود و ارتباط دائمی با بنادر عمان، سودآوری چشمگیری را برای آن به ارمغان می‌آورد.

در این دوران، قوم «زط» در تجارت و دریانوردی بندر تیس، نقش داشته‌اند (بارتولد، ۱۳۰۸:۲۰۴). خاستگاه اولیه «زط‌ها»، نواحی هند و سند بود و این امر طبیعی است که آن‌ها در مکران و بندر تیس حضور داشته باشند و نشانگر اهمیت بندر تیس در عصرعباسی با سواحل هند و سند است.

ابن خردادبه در مورد خاستگاه قوم «زط» چنین ذکر کرده است:

«از خراسان عازم سند و هند هستند. از آن محل تا منصوره هشتاد فرسخ، لذا از اولین ناحیه مکران تا منصوره سیصد و پنجاه و سه فرسخ است و راه از سرزمین زط که مردمان آن نگهبان راه‌ها هستند، می‌گذرد» (ابن خردادبه، ۱۸۸۹:۴۲). اوج رونق بندر تیس در عصرعباسی، در دوره سلجوقیان کرمان بود.

#### ب. بندر هرمز<sup>۸</sup>

هرمز در این اینجا منظور بندر هرمز (کهنه) است که از ایستگاه‌های مهم تجاری کرمان از دوره باستان تا قرن هفتم و هشتم میلادی بوده است و از نظر مکانی، در حدود میناب قرار داشته است. در کتاب حدود العالم، هرمز از بنادر کرمان به حساب آورده شده است (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳:۱۴۲). اصطخری گزارش می‌کند که هرمز مجمع بازرگانان است و فرضه دریاست.

بنادر کرمان به‌عنوان بارگاه اقتصادی جنوب شرق ایران، هم به دریای مکران و هم به هرمز (کهنه) پیوند داشته‌اند (ابن رسته، ۱۸۹۲:۱۰۶). در این دوره گرمسیرات کرمان به مرکزیت جیرفت، تجارتخانه خراسان و سیستان و مکران نیز بوده و برای این نواحی، رونق اقتصادی را در پی داشته است.

#### ج. بندر صحار

صحار از مراکز دریانوردی و تجاری دریای عمان بود و از دوره ساسانیان، با مکران ارتباط تجاری داشته است (ویلکنسون، ۱۹۹۸:۵)؛ چنانکه یاقوت حموی آن را از مراکز تجاری عمان در قرون نخستین اسلامی معرفی کرده است (حموی، ۱۹۹۵:۳۳۹/۳). بندر صحار در قرن چهارم هجری قمری از مراکز مهم تجاری و دریایی در دریای عمان بوده است. تجارت صحار با هند و سند، موجب برقراری روابط تجاری بین صحار و مکران می‌شده



است. در واقع بندر تیس به عنوان بارانداز و استراحتگاه کشتی‌های عمانی به هند به شمار می‌آمد و قرارگیری دریای مکران و سواحل آن در مسیر رسیدن به هند، از جمله مهم‌ترین عوامل رونق مکران در قرون نخستین اسلامی بود.

قاورد سلجوقی پس از فتح جیرفت، عمان را نیز فتح نمود (کرمانی، ۱۳۷۳: ۹). با فتح عمان توسط سلجوقیان کرمان، روابط مکران و عمان مستحکم شد. عمان در آن دوره ثروتمند بود و موجبات سودآوری برای مکران را فراهم آورد و به همین علت، حکام کرمان دست به تصرف عمان می‌زدند.

## ۹. خراج مکران و سند، و نواحی پیرامون آن در عصر عباسی

مکران در عصر عباسی از شهرهایی است که خراج آن سیری متفاوت و صعودی دارد. منابع گزارش‌های مختلفی از خراج آن به دست می‌دهند. چنانکه یعقوبی خراج سیستان و شهرهای بست، جوین، رخج، خشک، بلمر، خواش، زرنج را ده هزار درهم تخمین زده است (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۰۳)؛ این در صورتی است که وی و ابن رسته، مکران را جزو ولایت سند برشمرده‌اند (همان، ۱۰۴/ ابن رسته، ۱۸۹۲: ۲۸۱). خراج مکران در زمان هارون الرشید در اواخر قرن دوم هجری، ۴۰۰/۰۰۰ هزار درهم تخمین زده شده است (الجهشیاری، ۱۴۰۸: ۱۸۳).

قدامه بن جعفر خراج کرمان و نواحی ساحلی آن را، ۶/۰۰۰/۰۰۰ (شش میلیون) درهم و مکران و مناطق ساحلی آن را ۱/۰۰۰/۰۰۰ (یک میلیون) درهم و خراج عمان و بندرهای آن را ۳۰۰/۰۰۰ (سیصد هزار دینار) برآورد کرده است (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۳۸).

مبلغ خراج کرمان، مکران و عمان در قرون نخستین اسلامی، نشان می‌دهد تجارت در این نواحی رونق داشته است. چنانکه مقدسی درآمد (خراج) مکران را یک میلیون درهم می‌داند (مقدسی، ۱۳۶۸: ۷۱۳/۲)؛ همچنین در این دوره خراج شهرهای پیرامون مکران که ارتباط تجاری با آن داشتند، طی دوره‌ای کوتاه، افزایش چشمگیری دارد.

خراج کرمان به ترتیب در سال ۱۷۰ هجری قمری ۴/۰۰۰/۰۰۰ درهم و ۵۰۰ قطعه پارچه یمنی، در سال ۲۰۴ هجری قمری خراج کرمان ۶۰۰۰،۰۰۰ درهم به همراه ۲۰،۰۰۰ رطل خرما و ۱۰۰۰ رطل زیره است و در مجموع خراج کرمان به همراه نواحی پیرامون آن، ۷۵۰،۰۰۰ هزار دینار بود.

در سال ۳۵۱ هجری قمری، خراج کرمان ۱،۰۰۰،۰۰۰، ۱۰۰، ۱ درهم گزارش شده است و نکته جالب این است که در جریان لشکرکشی آل‌بویه، علی بن کلویه رئیس راهزنان قفص<sup>۹</sup> در جیرفت، قول پرداخت یک میلیون درهم خراج سالانه را به حاکم آل‌بویه می‌دهد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۴۶۴). ابوحامد کرمانی مورخ عصر سلجوقیان و غزها، تسلط قفص‌ها بر سواحل و نزدیکی مکران را تأیید نموده است (کرمانی، ۱۳۷۳: ۵-۹). این گزارش‌ها نشان می‌دهد که قفص‌ها در قرن چهارم و پنجم هجری قمری با راهزنی از کاروان‌ها در مسیر دریایی و تجاری، ثروت هنگفتی به دست می‌آوردند و این مقدار خراج‌های سنگین را به حکام مرکزی پیشنهاد می‌دادند.

ایالت‌های دیگر چون سیستان نیز از سودآوری ایالت مکران بی‌نصیب نبودند. خراج این شهر هم با سیر صعودی مواجه بود؛ چنانکه از ۴۰۰،۰۰۰ درهم در سال ۱۷۹ هجری قمری به ۱۰۰،۰۰۰ هزار دینار در سال ۳۶۴ هجری قمری می‌رسد.

خراج نواحی سند نیز موجب سودآوری برای ایالت مکران بود؛ به نحوی که خراج سند با افزایش چشمگیری مواجه شد؛ به‌عنوان مثال در زمان سلطان محمود غزنوی، خراج مولتان (ملتان) از شهرهای سند، در سال ۴۱۰ ه.ق بیست میلیون درهم (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) گزارش شده است (بکری، ۱۳۸۲: ۲۷۰). مجموع این عوامل، نشان دهنده تحول اقتصادی عظیمی است که در شرق خلافت اسلامی به‌خصوص در مکران، به تدریج صورت گرفته است و خراج آن و نواحی پیرامونی به تدریج افزایش پیدا کرده است. به عبارت دیگر فتح سند تأثیر مهمی بر صورت‌های مالی سرزمین‌های پیرامون آن به خصوص مکران داشته است که این سرزمین کم‌بازده در عصر فتوحات را به سرزمینی نسبتاً ثروتمند در عصر عباسی به تدریج تبدیل کرد و سرزمین‌های دیگر که با مکران و سند همانند کرمان و سیستان پیوستگی داشتند نیز از این تحولات اقتصادی سود بردند.

## ۱۰. نتیجه‌گیری

براساس گزارش‌های تاریخی سیر رو به رشد درآمد اقتصادی مکران را می‌توان چنین استنباط نمود که در عصر خلفای راشدین براساس داده‌های تاریخی ایالتی کم‌بازده معرفی شد و هشتاد سال بعد به روزگار ولید بن عبدالملک، فتح سند زمینه و رونق مالی آن را پدید آورد. سپس تا هشتاد سال بعد که روزگار هارون‌الرشید شد، انتقال مرکز قدرت از دمشق به

بغداد و تبدیل بصره از یک پایگاه نظامی به یک مرکز تجاری دریایی، زمینه رونق مکران از طریق تجارت دریایی را بیشتر فراهم ساخت.

نقش توأمان مکران در ترانزیت زمینی و دریایی، به آن این امکان را داد که در هرشرایطی بتواند این نقش را حفظ کند و ادامه دهد. اینکه سمت جنوبی مکران به اقیانوس هند و سمت شمالی آن به کویر مرکزی ایران محدود می‌شد، به‌طور طبیعی امتداد شرقی - غربی آن را مبدل به دالانی برای ارتباط تجاری میان هند و ایران ساخت.

لذا ایالت مکران نمونه جالبی از تبدیل یک منطقه حاشیه‌ای به یک منطقه کانونی تجارت در عصری به شمار می‌آید. به خصوص اینکه بندر معروف تیس نقش لنگرگاهی نیز در این دوره یافت. اگرچه رشد اقتصادی مکران در دوره امویان و عباسیان زمینه‌های نامنی در آن را فراهم آورد اما تأثیری اساسی در تجارت آن به وجود نیامد زیرا برای مدتی طولانی، شرایط صلح در مرز سند ادامه یافت؛ درحالی‌که در مرزهای دیگر شرایط جنگی، امکان اندکی برای رشد تجارت فراهم می‌آورد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در فتح مکران افراد قبیله بنی‌ازد حضور داشته‌اند که نشان از حضور اهالی عمان در فتح مکران دارد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۰۵).

۲.

در «تاریخ سند» مسطور است که در زمان خلافت عبد الملک خلیفه بعضی ملازمان را جهت خریدن کنیزکان هندی و امتعه دیگر به سند تعیین فرمود، [تا برخی از تجار شام بآن مردم همراه شده بدیار سند رسیدند] و کنیزکان و متاعی که در کار داشتند فراهم آورده از راه دریا معاودت نمودند؛ و چون به بندر دیبل، که درین ایام به بندر تهته و لاهری مشهور است، رسیدند، جمعی از قطاع الطریق بر ایشان ریخته اکثری را بقتل رسانیدند و بعضی را دستگیر کرده محبوس ساخته اموال و اشیاء را به تاراج بردند و چندی ازان مردم رخت حیات را بساحل نجات کشیده واقعه را بعرض خلیفه رسانیدند (بکری، ۱۳۸۲: ۶).

۳. در منابع اسلامی مرکز و پایتخت سیستان با نام زرننگ یا زرنج شناخته شده است که شهری بزرگ و دارای برج و بارو بوده است (دریایی، ۱۳۸۸: ۸۰).

۴. پانیز به عنوان قند مرغوب از جمله کالاهای مهم صادراتی ایالت مکران در قرون نخستین اسلامی بوده است. این محصول به مناطق دیگر نیز صادر می‌شد.

۵. بندری مشهور در ساحل مکران و اکنون روستایی در ۳ کیلومتری شمال بندر چابهار (دانشنامه خلیج فارس، ۱۳۹۴:۳۵۵)
۶. دریای عمان در منابع قدیم دریای مکران نیز نامیده شده است.
۷. ارتباط اهالی مکران با هند و سند آن قدر قوی بوده است که در جریان حمله سهیل بن عدی و عبدالله بن عتبان، سپاهی از سند به کمک مردم مکران آمده است (ابن خلدون، ۱۴۰۸:۲/۵۶۷).
۸. جغرافی دانان آن را به صورت هرموز، هرموج و هرمز به کار برده‌اند که جز اول کلمه از هور یا خور به معنی بندر و لنگرگاه است (میراحمدی، ۱۳۶۹:۳۰۵).
۹. در عصر عباسی قوم «قفص» در ناامن کردن راه‌ها و مسیرهای تجاری منتهی به دریای پارس و مکران، نقش داشته‌اند. اصطخری قفص‌ها را دارای هفت قبیله دانسته است که هر کدام رئیسی برای خود داشتند و پیاده نظام داشتند (اصطخری، ۱۳۶۸:۱۴۱).
- ابن حوقل تعداد جنگجویان قفص را ۱۰ هزار تن ذکر کرده است (ابن حوقل، ۷۵). حضور قوم قفص در مسیر دریایی عمان و بحرین، هرمز و مکران و پذیرفتن دعوت قرامطه (ابن حوقل، ۱۳۶۶:۷۵) باعث شده بود که آن‌ها در این مسیر تجاری، اعمال قدرت کنند و ناامنی را در راه‌های اصلی تجاری پیرامون دریای عمان، گسترش دهند (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۷:۶۱).

## کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۱)، تاریخ کامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مطبوعات علمی.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲)، الأعلام النفیسه، بیروت: دارالصادر.
- ابن‌فقیه، احمن محمد (۱۳۷۹)، البلدان، ترجمه محمدرضا حکیمی، تهران: بنیاد فرهنگ.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۳۸)، مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اقتداری، احمد (۱۳۴۸)، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- بارتولد، واسیلی (۱۳۰۸)، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران: اتحادیه.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۲)، «کلک تاریخ: فلفل روسیاه راه‌نورد (قدمی کوتاه در راه بلند ادویه - جاده فلفل)»، مجله کلک، شماره ۴۷-۴۸، ص ۱۹۲-۱۹۹.
- بکری، محمد معصوم (۱۳۸۲)، تاریخ سند، تصحیح داود پوته و عمر بن محمد، تهران: اساطیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸)، تاریخ‌نامه طبری، تصحیح محمد روشن، تهران: سروش.

تأثیر فتح سند بر سودآوری ایالت مکران در ... (عبدالرسول خیراندیش و سینا میرشاهی) ۴۷

- بیرونی، ابوریحان (۱۴۰۳)، تحقیق ما اللهند، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۳.
- تاریخ سیستان (۱۳۶۶)، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران: پدیده خاور.
- تاریخ شاهی (۲۵۳۵)، تحقیق و تصحیح محمدابراهیم باستانی، تهران: بنیاد فرهنگ.
- تکتب، محبوب، الهی، حسین (۱۳۹۲)، «جایگاه بندر تیس در تجارت ادویه و پانیذ (نیشکر)»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، شماره ۳۵، ص ۱۰۹-۱۳۰.
- الجهشبیاری، عبدالله بن محمد عبدوس (۱۴۰۸)، کتاب الوزراء و الکتب، بیروت: دارالفکر الحدیث.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب، (۱۴۲۳.ق). مصحح یوسف الهادی، قاهره: دار الثقافیه للنشر.
- حکیم، محمدتقی خان (۱۳۶۶)، «گنج دانش جغرافیای تاریخی شهرهای ایران»، به اهتمام عبدالحسین نوائی محمدعلی صولتی و جمشید کیانفر، تهران: زرین.
- حموی یاقوت، شهاب‌الدین ابوعبدالله (۱۹۹۵م)، معجم البلدان: بیروت دار صادر.
- حورانی، آلبرت (۱۳۸۴)، تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران: امیرکبیر.
- خیاط، خلیفه (۱۴۱۵)، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق نجیب فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دانشنامه خلیج فارس (۱۳۹۴)، جلد اول، تهران: بنیاد دانشنامه نگاری.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸)، شهرستان‌های ایران‌شهر (نوشته‌ای به زبان فارسی میانه درباره تاریخ، حماسه و جغرافیای باستانی ایران)، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- دلبری، شهرزاد (۱۳۹۶)، «فعالیت‌های تجاری مکران در امتداد جاده ادویه»، فصلنامه مطالعات خلیج فارس، شماره ۹، ص ۲۷-۳۷.
- دولافوز، ث.ف (۱۳۱۶)، تاریخ هند، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: چاپخانه مجلس.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدی دامغانی، تهران: نشر نی.
- رامهرمزی، بزرگ بن شهریار (۱۳۴۸)، عجایب الهند، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- شفیعی، ناهید و دیگران (۱۳۹۷)، تأثیر رقابت‌های تجاری فاطمیان و عباسیان بر گرایش عشایر قفص جنوب کرمان به اسماعیلیه فاطمی، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۳۹، ص ۵۱-۷۵.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الامم و الملوک، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: روائع التراث العربی.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران: امیرکبیر.
- قمر، محمود احمد محمد (۱۳۹۶)، جایگاه بحرین در دریانوردی و تجارت دریایی (از صدر اسلام تا سقوط خلافت عباسی)، ترجمه نعمت‌الله مقصودی، غلامرضا زائری، تهران: انتشارات گیوا.
- کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد (۱۳۷۳)، سلجوقیان و غز در کرمان، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: کورش.
- کوفی، علی بن حامد (۱۳۸۴)، فتح‌نامه سند (چچ‌نامه)، تصحیح داود پوته و عمر بن محمد، تهران: اساطیر.

- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسکویه، احمد بن علی (۱۳۷۶)، تجارب الامم، ترجمه ابوالقاسم امامی و علی نقی منزوی، تهران: توس، ۱۳۷۶.
- مهر آفرین، رضا، موسوی حاجی، رسول (۱۳۸۸)، «عبور از گذروزیما»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۳، ص ۵۵-۶۶.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۹)، «جزیره هرموز در متون جغرافیایی و تاریخی قدیم»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۷، ص ۱۰۱-۱۲۳.
- ندوی، سلیمان (۱۳۶۶)، روابط بازرگانی هند و عرب، نشریه تحقیقات اسلامی، شماره ۴، ص ۴۰-۷۰.
- وثوقی، محمداقبر، صفت گل، منصور (۱۳۹۵)، اطلس تاریخ بنادر و دریانوردی ایران، به اهتمام محمداقبر وثوقی و منصور صفت گل، تهران: سازمان بنادر و دریانوردی.
- ویلیکسون، جون (۱۹۹۸)، صحار تاریخ و حضاره، عمان: الطبعة الثانية.
- هولت، پی. ام، لمبتون، ان، لوئیس، برنارد (۱۳۸۳)، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی (۱۳۸۲)، ترجمه ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب (۱۴۰۸)، کتاب البلدان، بیروت: دارالتراث العربی.